

کاظم قلم چی، موسس شرکت کانون فرهنگی آموزش

محصول: انواع کتابهای کنکور تقویتی و تستهای مربوطه

تحصیلات: مهندسی معدن

در یک خانواده فرهنگی بزرگ شدم و مادرم سرگذشت جالبی داشتند تحصیلات ایشان تا پنجم ابتدایی بیشتر نبود و با وجود اینکه هم پدر خانواده بود هم مادر، تحصیلاتشان را ادامه دادند. ایشان دوره شش ساله دبیرستان را در سه سال تمام کردند و در رشته ادبیات دانشگاه تهران قبول شدند مادرم فوق لیسانس را زمانی گرفتند که من تازه وارد دانشگاه شده بودم مادر من الگوی سخت کوشی و تلاش بودند ایشان هم درس می خواندند و هم کار می کردند، فضای فرهنگی که در طول دوره کودکی در خانواده ما حاکم بود من را در مسیر آموزش قرارداد من سه سال آخر دبیرستان را در دوره شبانه گذراندم وقتی که من کلاس چهارم دبیرستان بودم بیشتر همکلاسی هایم از من بزرگتر بودند خیلی از هم کلاسی های من شاغل بودند و می خواستن دیپلم بگیرند به همین دلیل معلمان آن دبیرستان نکات تستی و کنکوری را به ما نمی گفتند. در آن زمان دانشگاه تهران موقعیت فعلی دانشگاه شریف را داشت و نابغه های ایران به آنجا می رفتند من خیلی علاقه داشتم به دانشگاه تهران بروم به همین دلیل پایین ترین رشته ای را که امکانپذیر بود انتخاب کردم اگر چه بعداً متوجه شدم که در تمام رشته ها پذیرفته شده ام و به این ترتیب در سال ۱۳۵۲ وارد رشته مهندسی معدن در دانشگاه تهران شدم.

من کار را با تدریس خصوصی شروع کردم ولی به مرور زمان به دنبال کارهای جدیدتری رفتیم که جزئیات تهیه و طراحی جدید آموزش را ارائه دهیم. اولین شاگردی که داشتم کلاس پنجم ابتدایی بود در آن زمان دانش آموز دبیرستان بودم. شاگرد من جزو کسانی بود که جهشی درس خوانده بود و افت تحصیلی داشت قرار شد من به او ریاضی درس بدهم.

طرحی که امروز به این شکل وجود دارد از ابتدا به این شکل جامع و منسجم طراحی نشده بود و بخش عظیمی از آن در طول سالهایی که تدریس می کردم شکل گرفته بود.

سال ۷۰ ما کانون فرهنگی آموزش را در وزارت ارشاد ثبت کردیم کاری که انجام دادیم یک کار جدید و نوآورانه بود. ما توانستیم مقوله برنامه ریزی و آزمونهای منظم را وارد سیستم آموزشی نمائیم بدون اینکه نیاز به فضای درسی داشته باشیم. قبل از اینکه ما کار را در سال ۷۱ شروع کنیم به صورت تدریس خصوصی کار می کردیم. بعد از آن بتدریج به این سمت رفتیم، سال ۷۰-۷۱ ما آزمون را با پنجاه نفر شروع کردیم که سال بعد ده برابر شد. این روند صعودی در سالهای بعد ادامه داشت چون موفقیت بچه ها زیاد بود. فقط قبول شدن در کنکور برای ما ملاک نبود بلکه افرادی که می آمدند تحولی نو در آنها به وجود می آمد.

من در کارم به این مسئله معتقد هستم که باید از آموخته های دیگران استفاده کرد ولی به الگو برداری معتقد نیستم به این معنا که هرکس باید سبک و روش خود را داشته باشد جالب اینکه من از همکاران خودم و دوستانی که به آنها یاد میدهم نیز آموزش میگیرم. اعتقاد من این است که در درس نباید یک رابطه ی یک طرفه وجود داشته باشد به این معنا که همانطور که آموزش می دهیم آموزش نیز بگیریم.

من یک مسیر اکتشافی را طی می کنم بسیاری از همکاران ما یا داوطلب بودند یا دانش آموزان نخبه ی خودم بودند. این افراد اصولاً با اعتقاد و علاقه کار می کنند چون تجربه هر دو طرف بودن را دارند در حال حاضر هم که با ما کار می کنند جز بهترین همکاران ما هستند.

ما تقریباً مجموعه کار را از صفر شروع کردیم. من زمانی که شروع به کار کردم با خودم عهد بستم که حتی یک ریال هم وام نگیرم و به میزانی که می توانم روی پای خود بایستم. برنامه ای را که ما برای دوره های آتی داریم این است که اگر کسی نام قلم چی یا کانون فرهنگی آموزش را بشنود یاد آموزش به معنی و مفهوم کلی اش بیافتد. من آرزو دارم به جایی برسم که دانش آموزان روش فکر کردن را بیاموزند و بتوانند برای خودشان برنامه ریزی کنند. دانش آموزان در این دوره درست درس خواند را یاد می گیرند تا وقتی که به سالهی

بالتر میروند استرس نداشته باشند و بهتر بتوانند نتیجه بگیرند. برنامه ما این است که کاری را به صورت فشرده و در یک سال انجام می
گیرد با یک برنامه طولانی و در سالهای تحصیل انجام می دهیم . من از این کاری که می کنم بسیار راضی هستم و از آن لذت می برم و
دیگر نیازی را نم بینم که کار دیگری را شروع کنم.